بیاری زندانیـان سیاسی برخیزید و به قانون شکنی های رژیم که سرنوشت مردم آزادی دوست کشور ما را بدست شکنجه گران سازمان امنیت سپرده شدید! اعتراض کنید!

دورهٔ ششم — بهمن ۱۳۴۹ — شماره شصت و هشتم

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

فرخنده باد جشن اول ماه مه

جشن همبستگی زحمتکشان جهان!

زحمتکشان جهان اول ماه مه را در شرایطی برگزار میکنند که تشکل وپیکارجوئی طبقاتی آنان بیش از همیشه اعتلاء یافته ومبارزات مطالباتی آنان برای نیل به رفاه وترقی اجتماعی، در راه حاکمیت و استقلال ملی، در راه دفاع از صلح و برای بکار بستن دست آوردهای علم و تکنیك بسود مردم، دامنهٔ وسیعی کسب کرده ومبارزه طبقاتی بمقیاس بین المللی علیه امپریالیسم و استعمار کهنه و نو شدت پذیرفته است.

طی سالی که گذشت در سراسر جهان سرمایه داری برای بهبود سطح زندگی، برای انداختن سلطهٔ انحصارهای امپریالیستی و انجام تحولات اجتماعی بنیادی، توده های زحمتکش به نبرد های سر سخت و اعتصابات و نمایشهای عظیم دست زدند و بسود نیروهای دمکراسی و ترقی به کامیابیهای چشمگیری نائل گردیدند. در پیکار همبستگی با مردم قهرمان هند و چین و برای خاتمه دادن به جنگ تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا قشر های وسیع زحمتکشان شرکت جستند.

در ایران نیز علی رغم سلطهٔ سازمان امنیت و سیاست ضد دمکراتیك و خفقان آور دولت، توده‌های مردم برای تحقق خواستهای اقتصادی و اجتماعی بمبارزه بر خاستند و در مواردی نیز دولت را بعقب نشینی و پذیرش خواستهای خویش وادار کردند.

برگزاری جشن اول ماه مه که تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد رسمیت قانونی داشت پس از کودتا از طرف هیئت حاکمه خود سرانه ملغی گردید ولی کارگران جشن خود

دنباله در صفحه ٤

پنجاهمین سالگرد قرارداد سال ۱۹۲۱

ایـران و شوروی

روز ۷ اسفند (۲٦ فوریه ۱۹۷۱) مردم ایران و محافل اجتماعی اتحاد شوروی پنجاهمین سالروز انعقاد قرارداد سال ۱۹۲۱ ایران و شوروی را برگزار کردند. این قرار داد که برای مردم ایران بمفهوم واقعی کلمه اهمیت تاریخی عظیم داشت و داردنخستین قرار دادی بود که در تاریخ جدید و معاصر ایران میان کشور ما و یك کشور بزرگ و نیرومند انعقاد یافت. با عقد این قرار داد دوران جدیدی در مناسبات میان ایران و همسایهٔ بزرگ شمالی آن آغاز گردید. اصول سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز کشور های پیرو رژیمهای اجتماعی گوناگون در این قرار داد متجلی گردید. شناسائی برابری حقوق، احترام به استقلال و حق حاکمیت و کمك بمردم ایران برای رهائی از بند اسارت سیاسی و اقتصادی استعمار روح و محتوی اساسی این قرارداد را تشکیل میدهد.

قرار داد زمانی انعقاد یافت که امپریالیسم انگلستان کمی پیش از آن، در سال ۱۹۱۹، در صدد برآمده بود سرانجام نقشه کرزن را عملی کند و ایران را رسماً وارد جرگه مستعمرات انگلستان نماید. ولی نیروی انقلاب اکتبر، اقدامات مؤثر جمهوری نوبنیاد

دنباله در صفحه ۳

علیه هجوم آدمکشان امپریالیست به لائوس

پس از ویتنام و کامبوج اینك امپریالیسم خون آشام امریکا هجوم وحشیانه خود را متوجه کشور بیطرف لائوس نموده است. علیرغم انکار های مکرر دولت امریکا مبنی بر اینکه مداخلهٔ نظامی در لائوس از جانب او انجام نشده، بلکه گویا دولت دست نشاندهٔ ویتنام جنوبی بچنین امری مبادرت ورزیده است، معذلك بر هیچکس پوشیده نیست که نقشه این مهاجمه از مدتها پیش بوسیلهٔ ستاد ارتش امریکا تهیه شده و بدستور و راهنمائی و اقدام مستقیم امریکا بموقع اجرا در آمده است. نه تنها بمب افکنهای امریکا شب وروز مواضع نیروهای آزادیبخش لائوس را میکوبند و از حرکت قوای اجیر ویتنام جنوبی پشتیبانی میکنند، نه تنها هلیکوپتر های

دنباله در صفحه ۳

روش انقلابی: یعنی انتخاب شعار صحیح مبارزه درلحظهٔ لازم

بار دیگر کارزار وسیعی علیه حزب توده ایران از همه جانب چه از جناح افراطی راست، از جانب دستگاه ارتجاعی حاکمه و سازمان سیاه امنیت آن وچه از جناح افراطی چپ در گرفته است.

رژیم کنونی ایران و سازمان امنیت آن که در وجود حزب توده ایران پیش آهنگ مبارزه در راه آزادی و دموکراسی واستقلال واقعی کشور را می بینند با تشکیل انواع توطئه ها و اختراع اتهامات گوناگون میکوشند به اعتبار حزب توده ایران در مقابل مردم ایران خلل وارد سازند.

همین عمل با پیگیری ویژه ای ازجانب آنهائی نیز تعقیب میشود که در لباس انقلابیگری بهر انگیزه ای باشد بطور عینی یا ذهنی وظیفهٔ تفرقه میان نیرو های مترقی و

دنباله در صفحه ۲

اعلامیه

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در بارهٔ نفت

مبارزهٔ کشور های تولید کننده نفت عضو اوپك علیه کارتل بین المللی نفت بمنظور تعدیل نابرابریهای موجود و افزایش قیمتها و مالیات بر درآمد که در ماههای اخیر وارد مرحله نوینی شده بود سرانجام بموفقیت رسید. انحصارهای غارتگر امپریالیستی پس ازانتشار قطعنامه های بیست و یکمین کنفرانس اوپك (که از ۱۸ تا ۲۱ آذر ماه سال جاری در شهر کاراکاس تشکیل بود) و بویژه پس از انتشار قطعنامه شماره ۱۲۰ این سازمان، به اتکاء حمایت دولتهای امپریالیستی و در رأس آنها دولت امریکا تلاش تحریك آمیزی برای عقیم گذاشتن اقدامات اوپك بعمل آوردند و با مقاومت خشونت آمیز خویش در برابر

دنباله در صفحه ٥

نهمین گام پنجساله

در ماه فوریهٔ سال ۱۹۷۱ طرح نهمین برنامه پنجساله اقتصادی اتحاد شوروی برای بررسی واظهار نظر زحمتکشان منتشر گردید. این طرح که باید به تصویب بیست وچهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برسد، هدفها و وظایف و خطوط اساسی و شاخص های عمدهٔ رشد اقتصادی کشور را برای سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۷۱ منعکس میسازد.

اقتصاد مبتنی بر برنامه اتحاد شوروی تاکنون بموفقیتهای عظیم نائل آمده است. کافی است گفته شود که میزان درآمد ملی اتحاد شوروی درسال ۱۹۷۰ - سال پایهٔ برنامه پنجساله آتی - ۵۰ برابر درآمدملی این کشور در سال ۱۹۱۳ بود. در همین مدت تولید صنعتی اتحاد شوروی بیش از ۹۰ بار افزایش یافته بود. چنین رشد سریع و پایدار

دنباله در صفحه ٤

بمناسبت نوروز و سال نو

بار دیگر مهین یادگار میهن ما نوروز هم آغوش با بهار دل افروز فرا رسیده‌اند طبیعت پیر جوانی از سر گرفته و خوان رنگین خود را در برابر ما گسترده است. اگر همه مردم ما دور از ترس و بیم در سایه صلح و صفائی پایدار، آزاد از قید و بند استثمار و استعمار و استبداد با کوشش و جهد همگانی از این همه مواهب که در دل خاك گرامی وطن ما نهفته است بهره میبردند، شکنج رنج از چهره زندگانی ما رخت بر می بست و بساط نشاط در هر کوی و برزن بر پا میشد و براستی جشن نوروز برای پیرو برنا جانبخش و فرح انگیز میبود.

اما آنچه در کشور ما میگذرد نه چنین است. گروهی دسترنج دیگران را ربوده کیسه ها را لبریز کرده و از سر تا پا غرق در سیم و زرند و انبوهی غارت زده، بینوا و نیاز مند نان‌شبند. معدودی بر مرکب مراد سوار میتازندمی چابند، می زنند و می‌بندند و خلقی پایمال زور و جور و ستمند. جشن نوروز برای آنان‌دوران نمودن شکوه و جلال و برای اینان مایه رنج و ملال است.

ستمگران برای تفرج نوروزی به قصور خود در کشور های اروپا میروند و ستمکشان در کنج زندانها، در کارخانه ها و کارگاه ها، در دشت ها و بیابانها برنج اندرند. در گردش عید دو گانگی آشتی ناپذیر بین ثروتمند و فقیر از هر وقت دیگر چشم گیرتر و بهمین دلیل آتش خشم و غضب توده ها علیه آنان که آبادی خود را در ویرانی اینان یافته‌اند تندتر و تیزتر است. این همان آتش مقدسی است که در شعله های خود بسیاری از جهانخواران‌را در بخش بزرگی ازجهان سوخته و خاکسترشان را بر باد داده است در این آتش رژیم های تزاری، هیتلری و امثال آنها نابود شده‌اند و هم اکنون در شبه جزیره هند و چین بزرگترین و نیرومند

دنباله در صفحه ٥

دنباله از صفحه ۱

روش انقلابی : یعنی انتخاب شعار صحیح مبارزه در لحظهٔ لازم

میهن پرست را بعهده گرفته اند .

اینان حزب ما را متهم میکنند به اینکه گویا از مواضع انقلابی عدول کرده است ، با طرح مسئله لزوم آزادی حزب توده ایران راه تسلیم طلبی در پیش گرفته است ، مبلغ راه پارلمانتاریسم است و با دادن شعار مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیك مانع بسیج نیرو ها برای انقلاب است .

گو اینکه این اتهامات تازگی ندارد و بسیاری از استدلال های مخالفان ما را خود زندگی رد کرده است با این حال شدت نوین این حملات یك بار دیگر این سئوال را پیش میآورد که اگر حزب ما دارای چنین خصائلی است وبا این ترتیب در واقع خود را در مقابل هر دو طرف بی ضرر میکند پس چرا همانا حزب ما است که از همه جانب بشدت کوبیده میشود.

پاسخ به این سئوال روشن است . هم ارتجاع ایران و هم مغرضان و چپ نمایان بخوبی میدانند که اگر نیروئی در مقابل آنها هست که یارای مبارزه دارد و زنده است حزب توده ایران است و با برچسب هائی از قبیل «منحله» و یا «تسلیم طلب» ، «رویزیو - نیست» و نظائر آن نمیتوان آنرا از میدان مبارزه بدر برد .

دیروز بود که مخالفان سیاسی ما مدعی بودند که حزب توده ایران جز رهبری خود که در مهاجرت است چیزی ندارد ، روزنامه هائی که بنام تشکیلات تهران منتشر میشود ساختگی است و در خارج از کشور تهیه میشود . امروز همانها از سازمان حزب توده ایران در داخل کشور سخن میگویند، بمنظور اثبات اینکه گویا بین سازمان ایران ورهبری حزب در ارزیابیهای سیاسی اختلاف نظر وجود دارد و دیری نخواهد گذشت که کار به انشعاب خواهد کشید. از «ضمیمه مردم» عکس برداری میکنند و با شتابزدگی هر چه تمامتر آمادگی خودرا برای تشکیل جبههٔ واحد با سازمان حزب توده ایران در داخل کشور اعلام میدارند ، غافل از اینکه این نوع قضاوتها خواستها را بجای واقعیت گذاشتن است .

آنچه مخالفان ما را به اشتباه انداخته و می اندازد عدم درك ماهیت واقعی حزب ما است . حزب ما بمثابه حزب طبقه کارگر ، بمثابه حزب مارکسیستی و لنینیستی ، بعنوان یك حزب جدی اگر دردی داشت با اعضاء خود و در صورت لزوم با مردم خود بمیان میگذارد ، اگر اشتباهی داشت از اعتراف به آن خودداری ندارد و اگر هشداری لازم بود بموقع خودمیدهد وهراسی از سوء استفاده های مخالفان خود ندارد زیرا در مقابل اعضاء خود ، در مقابل مردم زحمتکش ایران خود را مسئول میداند .

بجای تکرار طوطی وار و بیموقع شعارهای مافوق انقلابی ، بجای اغفال واتلاف بدون مسئولیت جان علاقمندان به انقلاب ایران همواره در سمت هدف استراتژیك خود و از روی واقع بینی شعار ها و راههائی را برمیگزینند که به اقتضای وضع اجتماعی و سیاسی مرحله مشخص مبارزه ، بتواند به بسیج هر چه وسیعتر نیرو های مترقی کمك کند و آنها را بهدف نزدیکتر سازد .

راز موفقیتهای حزب ما در همین بوده است . بهترین شاهد این مدعی تاریخ گذشته حزب ما است . حزب ما بمثابهٔ ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران هنگامی که پیدایش آزادیهای نسبی دموکراتیك ، شرایط مبارزهٔ علنی را فراهم ساخت نترسید از اینکه با تعدیل و تقلیل خواستهای حزب کمونیست ایران تا درجهٔ اکتفا به شعار واحد احیاء آزادیهای دموکراتیك ، در معرض اتهام عدول از مواضع انقلابی قرار گیرد (چنانکه برای مدتی قرار گرفت) .

برنامه مصوب نخستین کنفرانس ایالتی حزب توده ایران تنها حاوی حداقل خواست هائی بود که در شرایط آنزمان میتوانست مورد قبول قشر های هرچه وسیعتر مردم قرار گیرد . اگر حزب کمونیست ایران با همان برنامه انقلابی خود درحال غیر علنی به مبارزه خود ادامه میداد نمیتوانست بموفقیتهائی برسد که حزب تودهٔ ایران رسید . ولی حزب تودهٔ ایران با تعدیل روشن بینانه برنامه حزب کمونیست و استفاده ازشرایط روز در اندك مدتی به نیروی عظیمی مبدل گردید و مدتها محور تمام مبارزات سیاسی کشور بود . خدمتی که حزب ما در بالا بردن آگاهی زحمتکشان کشور و طرح مسائل مبرم و مبتلا به و تجهیز مردم برای گرفتن حقوق حقه خود طی دوران علنی وسپس مخفی خود انجام داده است انکار پذیر نیست . حزب تودهٔ ایران با استفاده از شرایط زمانی و مکانی خواست طبقات وقشر های زحمتکش و محروم کشور را نه تنها مطرح ساخت بلکه آنها را در راه نیل به خواستهای خود بسیج نمود و به مبارزه کشاند. اعتصابات وسیع کارگران تحت رهبری اتحادیه های دموکراتیك کارگری ، جنبش وسیع دهقانی تحت رهبری اتحادیه های دهقانی تشکیل یافته از طرف حزب که در تقاطی از کشور شکل مبارزه مسلحانه بخود گرفت ، تشکل جوانان و دانشجویان ، تشکیل سازمان های زنان برای مبارزه در راه تساوی کامل حقوق خود اثر ژرف خود را در جامعه ما گذارد. علیرغم آنهائی که از مواضع افراطی چپ معتقد به عدم شرکت حزب توده ایران در انتخابات دورهٔ چهاردهم مجلس بودند و بعد ها پس از شکست جنبش در آذربایجان از در تسلیم در مقابل ارتجاع در آمدند ، حزب توده ایران در انتخابات شرکت کرد و با استفاده از تریبون مجلس برای افشاء همه جانبه دستگاه حاکمه خدمت انقلابی خود را به جنبش رهائی بخش مردم ما انجام داد . هنگامیکه ارتجاع موفق شده بود تمام در ها را بروی نیرو های دموکراتیك ببندد و حزب ما را عملا از امکان مبارزهٔ علنی محروم سازد تنها فراکسیون مجلس حزب توده ایران بود که خواستها و اعتراضات نیروهای دموکراتیك را از پشت تریبون مجلس مطرح میساخت و مردم ایران را بمبارزه دعوت مینمود .

ولی شرکت در مجلس و استفاده از طرق ممکن مبارزه علنی به آن معنی نبود که حزب در موارد دیگر دست روی دست بگذارد و خود را کنار بکشد . برعکس ، هنگامیکه در بخش مهمی از کشور - در آذربایجان و کردستان شرایط برای آغاز یك تعرض جدی متقابل علیه ارتجاع مهیا بود و مردم آن سامان دست به قیام مسلحانه زدند حزب توده ایران کوچکترین تردیدی در پشتیبانی همه جانبه از این قیام بخود راه نداد . سازمان ایالتی آذربایجان حزب توده ایران نیروی اساسی جنبش را تشکیل داد کادر های حزب توده ایران و افسران عضو حزب با مأموریت حزبی در این قیام شرکت و جانبازی کردند و تا چوبه دار از عقائد خود دفاع نمودند .

آنچه بموقع خود از طرف حزب ما طرح و برای تحقق آن اقدام شد، اصلاحات نمونه ای که پس ازکامیابی جنبش آذربایجان درمدت کوتاهی انجام گردید آنچنان ریشه‌های عمیق باقی گذارد که رژیم کودتا پس از آنکه سالیانی کوشید تا خواستهای مطرح شده را مسکوت بگذارد بالاخره مجبور شد گامهائی بعقب بردارد تا در مقابل انفجار افکار عمومی قرار نگیرد .

بدین طریق نظری بیغرضانه به تاریخ حزب توده ایران بخوبی نشان میدهد که حزب ما با تلفیق راه های گوناگون مبارزه انقلابی، انتخاب شعارها و راههای مناسب ، از تشکیل سندیکاهای وسیع کارگری و اتحادیه های مبارز دهقانی و شرکت در مجلس ارتجاعی بمنظور تبلیغ نظریات خود گرفته و تا پشتیبانی از قیامهای مسلح مردم آذربایجان و کردستان، وظیفه تاریخی انقلابی خود را انجام داده است.

حزب توده ایران نشان داده است و همیشه گفته و میگوید که بمثابه حزب طبقه کارگر، بمثابه حزب لنینی هیچیك از طرق مبارزه را تحریم و یا تکفیر نکرده و در عین حال هیچیك از آنها را هم مطلق ننموده است و معتقد است که حزب طبقه کارگر باید آماده انتخاب راهی باشد که جنبش رهائی بخش کشور ما را بهدف نزدیکتر میکند و یا بهدف میرساند. آنجا که شرایط عینی و ذهنی قیام مسلح فراهم باشد تردیدی در پیشگام شدن نخواهد داشت؛ و آنجا که شرایط عینی بوجود نیامده و یا حتی با وجود شرایط عینی عامل ذهنی قدرت لازم را نداشته باشد، بدون واهمه از تهمت وافتراء راههای مشخص دیگری را برای نزدیك شدن بمقصود ، بمنظور تضعیف هرچه بیشتر ارتجاع، پس راندن رژیم و باز کردن جای پا برای پیشروی نیرو های مترقی و انقلابی انتخاب خواهد کرد - این است روش انقلابی بمعنای واقعی این کلمه .

طبق تحلیل حزب ما در مرحلهٔ کنونی و با شرایط موجود راهی که میتواند ما را بمقصود نزدیکتر کند عبارت است از مبارزهٔ پیگیر و جای برای بدست آوردن هر چه بیشتر آزادیهای دموکراتیك ، آزادیهائی که مورد علاقهٔ همه قشر های مترقی از کارگران و دهقانان گرفته تا بورژوازی ملی است و میتواند زمینه وحدت عمل نیروهای اپوزیسیون باشد .

مطالبه (نه تقاضای) آزادی همهٔ سازمانهای اپوزیسیون ملی و دمکراتیك از آنجمله حزب تودهٔ ایران که بموجب تخطئه عده‌ای چپ نما « انقلابی » در گفتار شده است نیز ناشی از همین خواست آزادیهای دموکراتیك است.

این بار خود رژیم است که نخست از زبان شخص شاه و سپس یکی پس از دیگری از جانب سخنگویان رژیم در جهت اثبات غیر قانونی بودن فعالیت حزب توده ایران موضوع را مطرح ساخته است.

رژیم ارتجاعی و ضد دموکراتیك ایران میگوید: حزب تودهٔ ایران غیر قانونی است.

حزب توده ایران میگوید ، نه ! هیچ قانونی هیچ مقام صلاحیتدار قانونی فعالیت آنرا منع نکرده است . قانون خرداد ۱۳۱۰ قانونی است تحمیلی مخالف با قانون اساسی و اصول مشروطیت ایران .

حزب تودهٔ ایران از موضع انقلابی خود ، از موضع افشاء خود سری ها و قانون شکنی های دستگاه ارتجاع است که یکبار دیگر حق مشروع خود را میطلبد .

مبارزه برای آزادی حزب توده ایران- مبارزه برای لغو قانون سیاه خرداد ۱۳۱۰ است . در صورت الغاء این قانون است که حزب توده ایران میتواند آزادی فعالیت بدست آورد .

در عین حال لغو قانون خرداد ۱۳۱۰ بمعنای برداشته شدن شمشیر داموکلس از از سر تمام نیرو های مترقی است . وجود این قانون و تطبیق دلبخواه این قانون سیاه است که به لجام گسیختگی های دادستان ارتش و یا سازمان امنیت میدان میدهد .

پریروز حزب کمونیست ایران طبق این قانون در معرض پیگرد قرار گرفت ، دیروز حزب توده ایران به استناد همین قانون « منحله » اعلام شد، امروز نه تنها هرمخالف سیاسی رژیم بلکه سازمانهای صنفی نامطلوب برای رژیم هم مشمول آن میشوند .

پس بحق مبارزه برای لغو این قانون امروز میتواند یکی از شعارهای آن مبارزه‌ای قرار گیرد که در راه نیل به آزادیهای دموکراتیك انجام میشود .

در راه مبارزه برای آزادیهای دموکراتیك و از آنجمله برای مبارزه در راه الغاء قانون سیاه خرداد ۱۳۱۰ باید کلیهٔ نیروهای مترقی ، افراد و گروه های با حسن نیت در یك جبهه متحد شوند .

اینست روش واقعاً انقلابی در شرائط مشخص کنونی مبارزه که وجه تشابهی با لفاظی های توخالی و بی پشتوانه انقلابی ندارد. برای این مبارزهٔ مشترك حزب تودهٔ ایران مانند همیشه همهٔ امکانات خود را در دسترس نیرو های مترقی میگذارد .

ع . ص .

بحران جهانی نفت

(نظر به وقایع دو سال اخیر)

در سال ۱۹۷۰

— درسوم مه از کارکرد لولهٔ نفتی که ۲۵ میلیون تن نفت عربستان سعودی را به مدیترانه منتقل میساخته است در سوریه جلوگیری بعمل آمد.

— در ۲۱ ژوئیه الجزیره بشکل یك جانبه ای بهای اعلان شده را از ۲٫۰۸ به ۲٫۸۵ دلار در چلیك رساند. این امر روابط بحران آمیزی را بین الجزیره و فرانسه پدید آورد. (ولی بعد ها این اقدام از مبداء اول ژانویه ۱۹۶۹ معلق ماند).

— در ٤ سپتامبر لیبی شرکت «امریکن اکسپلوراتیون» را واداشت بهای اعلان شده نفت را از ۲٫۲۰ به ۲٫۵۵ دلار در هر چلیك (یعنی ١٤ در صد) و میزان مالیات را از ۵۰ به ۵۵ درصد برساند. در نتیجه بهای اعلان شده نفت از ۲٫۲۸ به ۲٫٤۲۵ دلار رسد. شرکت های بین المللی این جریان را در لیبی ونتیجه مورد توجه قرار دادند.

— در اکتبر ۱۹۷۰ «ایراك پترلیوم کمپنی» از مبداء اول سپتامبر بهای نفت عراق در مدیترانه را بمیزان ۲۰ سنت و بهای نفت در خلیج را بمیزان ۷ سنت افزایش داد.

— در ١٤ نوامبر ۱۹۷۰ در ایران کنسرسیوم بهای نفت سنگین را بمیزان ۹ سنت افزایش داد و مالیات را از ۵۰ به ۵۵ در صد رساند. همین اقدام در کویت انجام گرفت. عراق بلافاصله خواستار همین امتیازات شد.

— در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۰ در بیست و یکمین کنفرانس کاراکاس سازمان کشور های صادر کننده نفت (اوپك) یازده قطعنامه تصویب کردند که یکی از آنها (قطعنامهٔ ۱۲۰) تعمیم میزان ۵۵ در صد مالیات و رسیدن بهای صدور به بالاترین سطح معمول و بالا بردن عمومی خود این بها را خواستار است. شش کشور خلیج فارس یك مهلت ۳۱ روزه به شرکتهای نفتی دادند که این خواستها را برآورده کنند.

در سال ۱۹۷۱

— در دوم ژانویه لیبی از دو شرکت نفتی میطلبد که قیمت اعلان شده از ۲٫۵۵ به ۳٫٢٤ دلار در چلیك برسد و مالیات نفت به ٦۳ درصد بالغ شود و ۲۵ سنت سود در هر چلیك را برای سرمایه گذاری در محل بکار برند.

— ۱۰ ژانویه الجزیره قسمتی از تحویلهای نفت به «اراپ» را مانع میشود.

— ۱۳ ژانویه کنسرسیوم مذاکرات خود را با کمیته مرکب از سه وزیر کشور های خلیج فارس که باصطلاح بمنظور «زمینه سنجی» بعمل آمده بود قطع میکند.

— ۱۹ ژانویه مذاکرات کشورهای عضو خلیج با کارتل بین المللی نفت آغاز میگردد. این کشور ها مایل نیستند تعهدی

دنباله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۱

علیه هجوم آدمکشان امپریالیست به لائوس

امریکائی مرتباً نیرو های مهاجم را در خاك لائوس پیاده میکنند بلکه گردانهای امریکائی نیز مستقیماً بخاك این کشور هجوم نموده‌اند.

هجوم بلائوس یکی دیگر از مظاهر «آئین گوام» است که طبق آن نیکسون گمان میکند میتواند بر نقشه های اسارت‌آور امپریالیسم امریکا با دلار های امریکائی و وسائل جنگی از راه تحریك آسیائیها بجنگ با آسیائیهای دیگر جامهٔ عمل پوشد. ولی وقایع هندوچین و مقاومت قهرمانانه مردم کشورهای این منطقه ضعف و شکنندگی اینقبیل نقشه‌ها را بوضوح نشان داده است و محققاً این کوشش نیز مانند ویتنام و کامبوج با ناکامی مواجه خواهد شد.

هجوم بکشور بیطرف لائوس که با دستور نیکسون، تحت فرمان ژنرال آبرامسن با همکاری دولت دست نشاندهٔ سایگون و نیرو های ارتش امریکا انجام گرفته است از نو دامنهٔ آتش جنگ را بنقطه دیگری از جهان سرایت میدهد ومرحلهٔ جدیدی از توسعهٔ عملیات جنگی را در جنوب خاوری آسیا تشکیل میدهد.

از هم اکنون بهانهٔ اینکه گویا ارتش جمهوری دموکراتیك ویت نام به نیرو های آزادیبخش کامبوج و لائوس کمك میرساند این جمهوری قهرمان نیز بمداخله نظامی تهدید میشود.

این وضع خطرناکی است که نه تنها دامنه ویرانگری، جنایات ضد انسانی، بی خانمانی و در بدری ملتها را بتمام خاك هندوچین سرایت میدهد بلکه در عین حال آزادی و استقلال کلیه ملتها و صلح جهانی را در معرض تهدید جدی میگذارد.

مردم آزاده و میهن پرست کشور ما که سالهای دراز فشار سیاست استعماری انگلستان و امریکا را بروی پوست و گوشت خود احساس نموده اند و هنوز از زیر بار عواقب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن کمر راست نکرده اند نمیتوانند در برابر تجاوز استعمارگران امریکائی نسبت بکشور های کوچك و بیطرفی چون لائوس و کامبوج که گناهی جز دفاع از آزادی و استقلال خود ندارند سکوت اختیار کنند.

باید دست بدست مردم کشورهای دیگر داد و علیه این ستمگری و بیداد گری با تمام قوا برخاست. باید خشم و نفرت ملت ایران نسبت باین تجاوز جدید امپریالیسم امریکا هر چه رساتر متظاهر گردد. باید صدای اعتراض مردم آزاده و زحمتکش کشور ما بگوش جهانیان برسد. باید دست آدمکشان امریکائی را از قتل و غارت مردم بیگناه کوتاه ساخت.

دولت ایران که خود مدعی پشتیبانی از حقوق ملتهای دیگر و اجراء اصول منشور ملل متحد و قرار داد های بین المللی است نمیتواند ونباید دراین مورد سکوت اختیار کند. باید از دولت خواست که هر چه زود تر موضع دولت ایران را در مورد تجاوز بکشور

دنباله از صفحه ۱

قرار داد سال ۱۹۲۱

شوروی برهبری لنین بزرگ همراه با مبارزات مردم ایران این نقشه امپریالیستی را برای همیشه به گورستان تاریخ سپرد.

روز ۲٤ فوریه سال ۱۹۲۱ قرار داد ایران و شوروی در مسکو بامضا رسید. بموجب این قرار داد حکومت شوروی تمام قرار داد ها و امتیازات غارتگرانه و رژیم کاپیتولاسیون را که دولت تزاری روسیه به ایران تحمیل کرده بود ملغی اعلام کرد و کلیهٔ وامهائی که دولت ایران در گذشته از روسیه تزاری دریافت کرده بود و نیز تمام تأسیسات و اموال منقول و غیر منقول متعلق بروسیه را بلاعوض بایران بخشید. جزیره آشوراده و جزائر دیگری که در دریای خزر در مجاورت نواحی استرآباد آنزمان واقع بود بایران واگذار گردید و حق کشتیرانی ایران در دریای خزر که در دوران تزاریسم از ایران سلب شده بود مجدداً برسمیت شناخته شد.

دولت ایران بنوبه خود متعهد شد تأسیسات و امتیازات سابق تزاری را دراختیار هیچ دولت خارجی یا اتباع آنها نگذارد. بموجب قرار داد طرفین متعهد شدند به هیچ دولت ثالث اجازه ندهند یا ورود نیرو های مسلح خود بخاك آنان برای مصونیت مرزها، منافع و امنیت طرف دیگر ایجاد خطر کند. دولت ایران متعهد شد بهیچ دولت خارجی اجازه ندهد خاك ایران را برای اعمال سیاست استیلا گرانه به پایگاه عملیات نظامی علیه حکومت شوروی بدل کند.

بموجب محاسباتی که انجام گرفته ارزش اموال منقول و غیرمنقول و وامهائی که دولت شوروی به ایران بخشید تقریباً به ۶۰۰ میلیون روبل طلا (معادل ۲۵۰ میلیون تومان آنزمان) بالغ میگردد. این مبلغ با توجه بمقیاسهای آنزمان ایران که مثلا بودجه های سالیانه‌اش از ۱۵ میلیون تومان تجاوز نمیکرد برای ایران اهمیت واقعاً حیاتی داشت.

بدینسان قرار داد سال ۱۹۲۱ هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی در حفظ استقلال وحاکمیت ایران نقش عظیم ایفا کرد.

محققین پیرو عقاید اجتماعی و سیاسی گوناگون و سخنگویان رسمی دولت ایران بار ها این واقعیت را تصریح کرده اند.

اگر دولت های گذشته ایران بجای لجاج در تعقیب سیاست نابخردانه خصومت با اتحاد شوروی و سمتگیری یکجانبه در سیاست خارجی، در تحکیم دوستی و همکاری با اتحاد شوروی میکوشیدند عقب ماندگی دیرین اقتصادی و فرهنگی و میراث استعمار در ایران سالها پیش بر افتاده بود.

سر انجام پس از مبارزات طولانی مردم ایران و ابتکار های سیاسی مؤثر اتحاد شوروی، از چند سال پیش در مناسبات میان ایران و اتحاد شوروی مرحله جدیدی آغاز گردید. مؤسسات صنعتی که با کمك های فنی و اعتبارات دولت در ایران احداث شده یا دردست ساختمان است برای تأمین پیشرفت ایران اهمیت عظیم دارد. احداث لوله سر تا سری گاز بطول ۱۲۰۰ کیلو متر و سالی ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز، ساختمان نخستین کارخانه ذوب آهن، کارخانه ماشین سازی اراك، سد ارس و تأسیسات برق آن، کمك اتحاد شوروی به تربیت کادر فنی ایران، اکتشاف معادن، برنامه هائی که برای توسعه همکاری ایران و شوروی در دوران ۱۵ سال آینده در دست تدوین است و غیره موجبات لازم را برای صنعتی کردن ایران و رهائی میهن ما از قید وابستگی بانحصارات امپریالیستی فراهم خواهد ساخت.

واقعیات دوران پنجاهساله‌ای که از انعقاد قرار داد سال ۱۹۲۱ میگذرد نشان داده است که اتحاد شوروی همواره در حفظ مناسبات دوستانه و کمك به تحکیم استقلال سیاسی واقتصادی ایران و مبارزه جدی و مؤثر در قبال سیاست غارتگرانه استعمار و امپریالیسم در ایران پیگیر بوده است.

پشتیبانی دائمی و مؤثر اتحاد شوروی از مبارزه طولانی مردم ایران علیه غارتگریهای امپریالیستی و از آنجمله علیه انحصارات نفتی که اخیراً به کامیابی تازه‌ای در استیفای بخشی از حقوق حقه ایران انجامید گواه بارز این امر است.

عرصه مناسبات سیاسی و همکاری اقتصادی و فرهنگی ایران که در حیات لنین با عقد قرار داد سال ۱۹۲۱ ایران و شوروی شالوده ریزی شد، هنوز امکانات بالقوه فراوانی را در خود نهفته دارد که ضرورت رهائی کامل سیاسی و اقتصادی ایران از قید تسلط امپریالیسم، استفاده هرچه بیشتر از آنرا ایجاب میکند.

توسعه‌روز افزون این مناسبات خواست مبرم و یکی از شعار های اساسی مبارزه نیرو های میهن پرست و ترقیخواه ایران است.

پ. پیکار

بیطرف لائوس و نقض مقررات عهد نامه ژنو اعلام داشته رسماً و علناً محکوم سازد.

مردم ایران خواستار قطع هر گونه مداخله نظامی در لائوس و بیرون رفتن همهٔ ارتشهای امریکائی و دست‌نشاندگان سایگونی آن هستند.

مردم ایران هوادار حق ملتهای هندوچین در تعیین آزادانهٔ سرنوشت خویشند.

هیئت اجرائیه
کمیته مرکزی حزب توده ایران

چاپ سوم آخرین دفاع

خسرو روزبه

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در دادگاه نظامی (فروردین سال ۱۳۳۷) منتشر شد

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.

دنباله از صفحه ۱

نهمین گام پنجساله

در سراسر تاریخ جامعه بشری بیسابقه است و نباید این نکته را از خاطر دور داشت که این آهنگ سریع رشد علیرغم ویرانیها و خسارات زمان دو جنگ جهانی و خرابیهای دوران جنگ داخلی تأمین شده است.

نهمین گام استوار اتحاد شوروی در شرایطی برداشته میشود که این کشور از لحاظ قدرت اقتصادی مقام دوم را در جهان اشغال میکند و در زمره پیشرفته ترین کشور های صنعتی جهان است. اهمیت و عظمت این برنامه که امکانات و برتری مسلم نظام اجتماعی نوین را منعکس میسازد، در همین است.

ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی مردم شوروی بر پایه آهنگ سریع رشد اقتصادی، بالا بردن میزان اثر بخشی تولید اجتماعی، تأمین پیشرفت علم و تکنیك وتسریع افزایش بازده کار - وظیفه عمده این برنامه را تشکیل میدهد.

در پنج سال آینده در آمد ملی، که جامعترین شاخص رشد اقتصادی است سالانه بطور متوسط ۷ - ۶٫۵ در صد افزایش خواهد یافت. با تأمین این آهنگ رشد به قدرت اقتصادی اتحاد شوروی در پایان برنامه در حدود ٤۰ در صد افزوده خواهد شد. ضمناً صنایع اتحاد شوروی که تأمین کنندهٔ قدرت تکنیکی کشور بوده و برای بالا بردن سطح زندگی مردم و تحکیم قدرت دفاعی کشور شرایط مادی فراهم میآورد، باآهنگی سریعتر (۹٫۷ - ۷٫۳ درصد در سال) رشد خواهد نمود.

در برنامه پنجساله آتی به جنبه‌های کیفی رشد اقتصادی توجه خاصی مبذول خواهد شد و در جهت مدرنیزه کردن و بهبود کیفیت تمام عوامل مؤثر دراثربخشی تولید یعنی منابع نیرو، ابزار کار، مواد خام واولیه وپروسه‌های تکنولوژیك اقدامات وسیعتری بعمل خواهد آمد. چنانکه تولید نیروی برق ٤۰ در صد افزایش یافته و دست کم به یك تریلیون و سی میلیارد کیلوات ساعت درسال بالغ خواهد شد، ترکیب سوخت بسود رشته های نفت و گاز تغییر خواهد کرد و سهم این دو منبع نیرو به ٦۸ در صد خواهد رسید؛ بمیزان تولید مواد مصنوعی و سنتیك و انواع جدید آلیاژ های فلزات، بویژه آلیاژ های فولاد که پیشرفت تکنیك معاصر بدون ایجاد تنوع وسیع در آنها میسر نیست، افزوده خواهد شد؛ ماشینهای تمام خودکار و تکنیك مدرن مجهز به دستگاههای الکترونیك با وسعت بیشتری در تولید بکار خواهد رفت (مثلا تولید ماشین های تراش مجهز به دستگاه تنظیم الکترونیك ۳٫۵ برابر و تولید دستگاههای شمارگر الکترونیك اقلا ۲٫٦ برابر خواهد شد)؛ در نحوه تولید رشته‌های معین ازطریق بکار بستن پروسه های تکنولوژیك کاملا مدرن تغییر جدی داده خواهد شد و سرانجام در تناسب میان رشته های صنعتی موافق نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی کشور و بر حسب مقتضیات انقلاب علمی و فنی بتدریج تحولات لازم بوجود خواهدآمد. تمام این اقدامات به رشد عمقی وبالا بردن اثربخشی تولید اجتماعی که خط مشی اساسی حزب و دولت در رشد آتی کشور است، بمیزان زیاد خواهد افزود. پیش بینی افزایش سریع بازده کار در تمام رشته‌های تولیدی نمودار رشد عمقی واثربخشی تولید در پنجسال آینده است. هشتاد در صد افزایش در آمد ملی و تا ۹۰ درصد افزایش محصولات صنعتی از راه افزایش بازده کار تأمین خواهد شد. لنین گفته است که بازده کار «مهمترین و عمده ترین عامل پیروزی نظام اجتماعی نوین است». دربیست سال اخیر آهنگ رشد بازده کار در صنایع شوروی ۱٫۵ برابر افزایش بازده کار صنایع ایالات متحد امریکا بود. در سطح کنونی رشد اقتصادی اتحاد شوروی افزایش بازده کار تولید اجتماعی بمیزان ۱ در صد بمعنای تولید بیش از ۳٫۵ میلیارد روبل (۳٫۹ میلیارد دلار) محصول اضافی است و این بیش از نیمی ازمجموع درآمد ملی سالانه ایران است!

هدف غائی رشد اقتصادی در شرایط سوسیالیسم تأمین هر چه بیشتر نیازمندیهای مادی و معنوی تمام زحمتکشان متناسب با امکانات مادی هر مرحله از رشد اقتصادی است. تاکنون تمام برنامه های دراز مدت اتحاد شوروی بر پایهٔ آهنگ سریعتر رشد وسائل تولید تنظیم و اجراء میگردید. فقط در چند سال اخیر آهنگ رشد وسائل مصرف بیشتر از آهنگ رشد وسائل تولید بود. ولی اینك برای نخستین بار در برنامه های دراز مدت اتحاد شوروی افزایش سریعتر تولید وسائل مصرف در قیاس با تولید وسائل تولید پیش بینی میشود (به ترتیب ٤۸ - ٤٤ در صد و ٤۵ - ٤۱ در صد). و این امر فقط پس از رشد نیرومند تمام اقتصاد ملی میسر بود. در نتیجه اجرای این برنامه به در آمد سرانه در کشور ۳۰ در صد افزوده خواهد شد، ضمناً برای ایجاد هماهنگی میان درآمد زحمتکشان کلخوزی وکارگران وکارمندان مؤسسات دولتی در آمد کلخوزیان سریعتر از دستمزد کارگران و کارمندان افزایش خواهد یافت (به ترتیب ۳۵ - ۳۰ درصد و ۲۲ - ۲۰ درصد). همچنین برای توسعهٔ بیشتر خدمات اجتماعی از قبیل بهداشت و آموزش و غیره اعتبارات صندوق اجتماعی ٤۰ درصد افزایش خواهد یافت.

از جمله اقدامات بسیار مهمی که طی برنامه پنجساله باید انجام گیرد، بهبود بیشتر شیوه های رهبری تولید و کیفیت برنامه‌ریزی است. در این زمینه، تحولاتی که از چند سال پیش آغاز شده بود، در سطح بالاتری ادامه خواهد یافت. در جریان اجرای این برنامه سیستم نوین رهبری و برنامه ریزی به تمام رشته ها تعمیم داده خواهد شد. انگیزه اقتصادی همچنان عامل عمده پیشرفت کار مؤسسات خواهد بود و همراه با انگیزه های معنوی به رشد همه جانبه اقتصاد کمك خواهد کرد. مبانی علمی برنامه ریزی تقویت خواهد شد و در کار تنظیم برنامه ها و رهبری تولید بیش از پیش از ماشینهای شمارگر الکترونیك استفاده خواهد شد. در تنظیم برنامه ها مسائل اجتماعی و اقتصادی با عمق بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت و هماهنگی بیشتر و علمی تری میان رشته های مختلف تولیدی بوجود خواهد آمد. تدابیری که در جهت بهبود شیوه رهبری تولید و کیفیت برنامه ریزی و نظارت بر اجرای این برنامه هابعمل میآید، نارسائی های موجود در این زمینه ها را بتدریج بر طرف خواهد ساخت و به تأثیر عواملی که گاه مانع اجرای برنامه‌های پیش بینی شده در بخشها و رشته های جداگانه میگردد، پایان خواهد داد.

هر سالی که از اجرای برنامه های اقتصادی اتحاد شوروی میگذرد، در جهت تأمین رفاه توده ها، تحکیم قدرت دفاعی اردوگاه سوسیالیستی گام تازه ای برداشته میشود وبرای پیروزی نهائی در مسابقهٔ اقتصادی میان دو سیستم متضاد جهان امکان بیشتری فراهم میآید. در طرح برنامه پنجساله گفته میشود، «برنامه پنجساله نهم مرحله مهمی در پیشرفت بسوی کمونیسم، ایجاد پایه‌های مادی و فنی آن و تقویت بنیه اقتصادی و قدرت دفاعی کشور خواهد بود.»

مسعود

دنباله از صفحه ۱

فرخنده باد جشن اول مه

را ولو بصورت مخفی بر گزار کردند وبرای حفظ این سنت بزرگ انقلابی بمبارزه ادامه دادند. اینك کارگران ایران توفیق یافته‌اند که رسمیت قانونی جشن اول ماه مه را مجدداً احیاء نمایند،

مبارزه علیه دخالت پلیس و سازمان امنیت در امور سندیکائی، برای بر خورداری از حقوق و آزادیهای مصرح در قانون اساسی و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ادامه دارد. در کشور ماهنوز ازحقوق و آزادیهای سندیکائی اثری نیست و حتی آن مواد معدود قانون کار که باین حقوق اشاره میکند در اثر دخالت سازمان امنیت در امور سندیکائی اجراء نمیشود. علیرغم خواست کارگران اتحادیه های حرفه‌ای، فدراسیونها و کنفدراسیون کشوری که مطابق قانون کار میتواند تشکیل شود وجود ندارد. قانون ناقص کار شامل اکثریت زحمتکشان نمیگردد. تا وقتیکه کارگران نتوانند آزادانه سندیکا ها و اتحادیه های خود را تشکیل دهند، تا سندیکا ها نتوانند آزادانه وظایفی را که طبق اساسنامهٔ خود برعهده دارند انجام دهند و دربارهٔ کلیه مسائل مربوط بکارو زندگی زحمتکشان تصمیم گرفته عمل نمایند ادعای وجود آزادی سندیکائی ادعای پوچی بیش نیست.

در زمینه همین ادعا ها رژیم برای اغواء کارگران مسئله «شریك کردن» کارگران در سود کارخانه ها را مدتی است بمیان کشیده ولی واقعیات و اعترافات خود سخنگویان رژیم نشان میدهد که در پس این شعار اغوا گرانه محتوی جدی وجود ندارد.

زندگی کارگران ایران دشوار و در مقایسه با اکثر کشورهای جهان درسطح بسیار نازلی قرار دارد. موافق آمار های وزارت کار، کارگران بخش دولتی در مقابل ٥٤ ساعت کارهفتگی بطورمتوسط ۱۱۸۵ ریال دستمزد میگیرند و کارگران بخش خصوصی درمقابل ٦٤ ساعت کار هفتگی بطور متوسط فقط ۷۷٦ ریال مزد دریافت میدارند. مقایسه این دستمزد های نازل با هزینهٔ روز افزون زندگی برای نشاندادن سختی معیشت تودهٔ زحمتکش کافیست.

بر خلاف نص صریح قانون کار که بکار گماردن اطفال کمتر از دوازده سال راحتی بعنوان کار آموزی منع میکند بهره کشی بیرحمانه از دسترنج کودکان بطور وسیع ادامه دارد، ۲۰ در صد کارگران بافندگی از آنجمله قالی بافی را کودکان ٦ تا ۱۲ ساله تشکیل میدهند. در موردزنان نیز اصل مزد مساوی در مقابل کار مساوی و مقررات مربوط بزنان بار دار و مادران اجراء نمیشود.

تنها بخش کوچکی از کارگران از مرخصی های هفتگی و سالیانه با استفاده از حقوق بر خوردارند و مشمول قانون بیمه هستند. اکثریت مطلق کارگران بدین حقوق محرومند. بدین سبب اجرای کامل قوانین کار و بیمه و اصلاح آنها، افزایش دستمزد، تقلیل ساعات کار از جمله خواستهای مبرم همهٔ زحمتکشان ایرانست.

مبارزهٔ زحمتکشان برای بهبود شرایط کار و زندگی از مبارزه برای تأمین استقلال واقعی میهن ما ایران جدا نیست. در این مبارزه همهٔ نیرو های ضد امپریالیست، قشر های وسیع روشنفکران و کارمندان دولت، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی شرکت دارند. طبقهٔ کارگر ایران که در اثر رشد سریع کمی و کیفی خود در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میهن نقش و مسئولیت روز افزونی دارد در عین حالیکه از منافع طبقاتی خویش دفاع میکند برای تأمین اتحاد کلیهٔ نیرو های ملی و دمکراتیك در جبههٔ واحدی علیه ارتجاع و امپریالیسم پیکارمیدهد.

کارگران پیشرو با توجه باین وظیفهٔ خطیر باید قشر های وسیع زحمتکشان را متشکل سازند و آنان را با روح انقلابی، عاری از سازشکاری و ماجراجوئی بسوی هدفهای استقلال طلبانه و ترقیخواهانه سوق دهند. باید بکار در سندیکا های موجود و استفاده ازاین سندیکا ها برای تأمین خواست های کارگران توجه جدی معطوف داشت. در عین حال تشکیل سازمانهای مستقل سندیکائی یکی از شرائط اساسی است تا بتوان بوسیله آنها بسود تودهٔ زحمتکشان و دفاع از منافع حیاتی آنان گام برداشت.

کارگران و زحمتکشان ایران

جشن اول ماه مه را با شکوهی که در خور آنست برگزار کنید و با طرح خواست های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش سنن انقلابی این روز تاریخی را حفظ کنید.

فروردین

دنباله از صفحه ۶

در ماه گذشته . . .

❀ ❀ ❀

انجلا دیویس در پاسخ سئوال مخبر روزنامه «محمد سپیکس» که از او پرسید چرا شما کمونیست هستید گفت :

— من از آنجهت کمونیست هستم که معتقدم اگر ما در جامعه امریکا بعنوان انسانهای درجه دوم زندگی میکنیم ناشی از وجود سیستم سرمایه داری است . چنانکه ما بخواهیم فقر و ستم را از جامعهٔ خود بزدائیم و آماج سیاست نژادی نباشیم ، باید سیستم سرمایه داری را از بین ببریم ، سیستمی که در آن اقلیت ممتاز روز بروز ثروتمند تر میشود و سایر مردم و بویژه سیاه پوستان هیچ بهبود قابل توجهی در زندگیشان مشاهده نمیشود . من از آنجهت عضو حزب کمونیست امریکا شدم که عقیده دارم فعالیت در حزب کمونیست یگانه راه سرنگونی طبقه سرمایه دار و ابزار های گوناگون ستم طبقاتی آن است . برای حصول به این هدف ما باید با تمام نیروهای مترقی امریکای سفید همکاری کنیم .

قانون جدید کار در عراق

در عراق با آغاز سال مسیحی قانون کار جدیدی بمرحله اجرا درآمد . این قانون بعد از حل دموکراتیك و مسالمت آمیز مسئله کرد ، قانون جدید رفرم ارضی و قانونی تشکیل پارلمان را پیش بینی میکند یکی از مهمترین قوانین دولت حزب بعث است .

مطابق قانون جدید ، کار بمثابه حق و وظیفه افراد تلقی شده و هر گونه تبعیض نژادی ، مذهبی و زبانی ممنوع شده است . دولت مؤکداً موظف شده که برای همه افراد به سن کار تأمین شغل کند . تمام مؤسسات موظف اند به کارگران و کارمندان خود کمك کنند تا رشته تخصصی خود را تکمیل نمایند . زنان کارگر بموجب قانون جدید از سه ماه استراحت دوران حاملگی و زایمان برخوردار خواهند شد و کار کودکان کمتر از ۱۴ سال ممنوع اعلام شده است .

«شورای عالی خلق» در سوریه

درسوریه «شورای عالی خلق» مرکب از ۱۷۳ نماینده تشکیل شد . تشکیل شورای عالی خلق گام مهمی برای تحکیم حکومت دموکراتیك انقلابی است . این برای نخستین بار در تاریخ سوریه پس از استقلال است که یك مجمع خلقی در سطح بالا با شرکت کلیه احزاب ، سازمانها ، گروههای مترقی و مهمتر از همه سازمانهای توده ای تشکیل میشود . یکی از وظایف مهم شورای عالی خلق تصویب قانون اساسی جدید است که جانشین قانون اساسی موقت سال ۱۹۶۹ که تحولات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی کشور را بطور ناقص منعکس میکرد خواهد شد . سوریه در دوران اخیر روابط نزدیکتری با جمهوری متحده عرب و سایر اعضاء فدراسیون چهارگانه برقرار کرده است . و این مناسبات برای جبهه ضد امپریالیستی خاورمیانه که جمهوری متحده عرب و سوریه نقش ویژه ای در آن دارند حائز اهمیت است .

مصادره املاك در شیلی

دولت وحدت خلقی شیلی دست باقدامات تازه‌ای برای تحول اجتماعی واقتصادی کشورزده است . در آستانه سال نو در ساتیاگو پایتخت شیلی ۳ واحد کشاورزی خصوصی بایش از ۷۰۰ هکتار مساحت مصادره شدند . قبلا ۶۲ واحد کشاورزی مصادره شده بودند . وزیر کشاورزی شیلی اعلام نمود که تمام املاك شخصی که بیش از ۸۰ هکتار زمین آبی داشته باشند مصادره خواهند شد . در این املاك کئوپراتیو های دهقانی و واحدهای کشاورزی دولتی بوجود خواهند آمد .

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه در باره نفت

خواستهای مشروع کشور های تولید کننده نفت مذاکرات تهران را با شکست مواجه ساختند . ولی اتحاد و تصمیم قاطع کشورهای تولید کننده انحصار های مزبور را وادار ساخت از نو بمذاکره پردازند و بافزایش قیمت ها تن دهند .

بنا بموافقتی که بین طرفین حاصل گردید قرار شد در مورد کشور های ساحلی خلیج فارس بابت هر بشکه نفت خام ۳۵ سنت بر قیمت اعلان شده اضافه شود و از مبدأ ماه ژوئن امسال تا مدت پنج سال نیز همه ساله ۵ سنت اضافی دیگر برحسب هر بشکه پرداخت گردد . از طرف دیگر طبق همین موافقتنامه وصول مالیات بر درآمد از شرکتهای نفتی از ۵۰ در صد به ۵۵ در صد ترقی میکند .

طبق برآورد رسمی دولت ایران اضافه درآمدی که از این موافقت تا پایان سال جاری (اسفند ماه ۱۳۴۹) برای کشور ما حاصل میشود برابر با ۸۰ میلیون دلار است و اضافه درآمد مزبور در عرض مدت ۵ سال آینده جمعاً به ۳ میلیارد و ششصد میلیون دلار بالغ خواهد شد .

بدیهی است حزب توده ایران که خواستار اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت است و آنرا یکی از حلقه های اساسی مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران و وسیله نیرومندی برای تحکیم استقلال وپیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور میشمارد نمیتواند با ضمانت هائی که در این موافقتنامه بشرکت های نفتی داده شده و بهره کشی آنها را در چهار چوب مقررات این توافق لااقل برای ۵ سال تضمین کرده است موافقت داشته باشد ولی از آنجا که توافق اخیر نتیجه مبارزهٔ مشترك کشور های تولید کننده نفت علیه انحصارات امپریالیستی است و از سوی دیگر موجب افزایش درآمد کشور ما میشود و از ایراد بخشی از بهره های غارتگرانه ای که انحصار های امپریالیستی از ذخائر طبیعی و کار و کوشش کارگران کشور ما بدست میآورند مسترد میگردد آنرا گامی به پیش در جهت استیفای حقوق مشروع مردم ایران تلقی میکند .

طرح خواستهای مشخص علیه انحصار-های بزرگ نفتی از طرف دولتهای تولید کننده نفت عضو اوپك انعکاسی ازمبارزه حق طلبانه مردم این کشور هاست و کامیابی آن نشان میدهد که مبارزه مردم این کشور ها علیه انحصار های امپریالیستی وارد مرحلهٔ نوینی شده است . این مبارزه اکنون در شرایط مساعدی انجام میگیرد . تناسب نیروها در عرصه بین المللی بطور روز افزونی بسود نیرو های سوسیالیستی و بزیان امپریالیسم تغییر میکند . دوران سلطه بلا منازع انحصار های امپریالیستی ، دورانی که این انحصارات ارادهٔ خود را بر ملل اسیر تحمیل میکردند سپری شده و دورانی فرا رسیده است که همهٔ ملتها میتوانند باتکاء پشتیبانی نیروهای عظیم ضد امپریالیستی جهان آزادی کامل خود را از قید اشکال مختلف استعمار بچنگ آورند .

تصمیمات و اقدامات متحد کشور های تولید کننده در برابر کارتل بین المللی نفت ، این اتحادیه جهانخواران نفتی ، خود یکی از مظاهر امکانات مساعدی است که در دوران ما بوجود آمده و بر قدرت مقابله ملتها در برابر امپریالیسم افزوده است .

دولت ایران نیز میتواند و باید با اتکاء بشرایط مساعد بین المللی و امکانات عینی و فنی داخلی پا را از این مرحله فراتر نهاده در راه استرداد حقوق تمام و کمال ملت ایران بطور قاطع گام بردارد و منابع زرخیز زیر-زمینی میهن ما را از چنگ کنسرسیوم غارتگران بین المللی بیرون آورد .

هر دولتی که بطور قاطع در این راه قدم بردارد مسلماً ازپشتیبانی عموم مردم ایران برخوردار خواهد بود . پشتیبانی عمومی در صورتی با نیرومندی و قاطعیت لازم متظاهر میگردد که توده های وسیع مردم امکان یابند تمایلات ضد امپریالیستی و استقلال طلبانهٔ خود را صریح تر ابراز نمایند . استقلال ، آزادی وترقی واقعی کشورما تنها با ریشه کن ساختن تسلط انحصارهای امپریالیستی و اتخاذ یك سیاست اصیل ملی و دموکراتیك تحقق پذیراست و هیچ ایرانی میهن پرستی نیست که ازچنین سیاستی جداً هواداری نکند .

منابع و صنایع نفت از آن مردم ایران است و باید مستقلا بدست مردم ما بهره برداری و اداره شود و منافع عظیمی که از این ممر بدست میاید در جهت مصالح واقعی پیشرفت و آبادانی کشور و ارتقاء سطح زندگی توده های زحمتکش میهن ما مورد استفاده قرار گیرد .

حزب توده ایران از همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران ، از همه نیرو های ترقیخواه و قبل از همه طبقه کارگر ایران و بویژه از کارگران صنایع نفت ایران دعوت میکند که مبارزه متحد خود را علیه انحصار-های امپریالیستی نفت برای استیفای حقوق مردم ایران و اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت سازمان داده تشدید کنند و در مرحله کنونی با استفاده از تمام امکانات و اشکال مبارزه هر گونه اقدام جدی و قاطع علیه انحصار های امپریالیستی بویژه کنسرسیوم بین المللی نفت را مورد پشتیبانی قرار دهند .

نبرد در این راه نه تنها حق بلکه وظیفهٔ هر ایرانی میهن پرست و ترقیخواه است . در این مبارزه طبقهٔ کارگر و سایر طبقات وقشر های ضد امپریالیستی کشور ما علاوه برنیروی اتحاد خویش از همبستگی کارگران نفت و مردم کشور های تولید کننده ، از پشتیبانی جنبش کارگری بین المللی و نهضت ضدامپریالیستی سراسر جهان برخوردارند . اتحاد همهٔ نیرو های ضد امپریالیستی ضامن پیروزی در این نبرد است .

دنباله از صفحه ۳

بحران جهانی نفت

جز در مورد خودشان بپذیرند .

— ۲۴ ژانویه شاه ایران اعلام داشت که اگر شرکتهای نفتی خواستهای کشور های تولید کننده نفت در خلیج را نپذیرند ، دست باقدامات قاطع زده خواهد شد .

— ۲۶ ژانویه فرانسه از طریق شرکت نفتی فرانسه ۶۷۵ میلیون فرانك بعنوان مالیات عقب افتاده بحساب دولت الجزیره واریز میکند .

— ۲۹ ژانویه لوله نفت دوباره بازمیشود .

— ۳۱ ژانویه تلاش کارتل برای مذاکرات موازی با لیبی بناکامی می انجامد .

— ۳ فوریه ، جلسه فوق العاده اوپك . شاه در مقابل مجلس و نمایندگان اوپك به کارتل اعلام داشت که باید شرایط کشور های خلیج را بپذیرند .

— ۸ فوریه انتشار قطعنامه جدیداوپك که در آن مهلت توسل باقدام مجدانه و شرایط حمایت از خواستهای لیبی و الجزیره ذکر شده است .

— ۹ فوریه نمایندگان کارتل درپاریس به وزیر دارائی ایران گفتند که «در اصول» با «شرایط حداقل» کشورهای خلیج موافقند .

— ۱۲ فوریه تجدید مذاکرات رسمی با کارتل در تهران .

— ۱۳ فوریه اعلام یك توافق دربارهٔ جهات مالی اختلاف ،

— ۱۴ فوریه یك توافق جمعی در ساعت ۱۵ بامضاء رسید .

(ترجمه از منابع خارجی)

دنباله از صفحه ۱

بمناسبت نوروز و سال نو

ترین تجاوز کار جهان یعنی امریکا در لهب آن میسوزد .

ما ایمان راسخ داریم که شعله های خشم و کینه خلقهای ما هیچگاه خاموش نخواهد شد بکوشیم تا این شعله هارا فروزان تر کنیم و با تیز کردن آتش نبردعلیه استعمار واستبداد و استثمار روز پیروزی را نزدیکتر نمائیم .

ما درود های گرم خود را در آغاز سال نو برفقائی که در گوشه زندانها دوراز خانه و خانواده این روز ها را میگذرانند ، بتمام زندانیان سیاسی و بتمام مردم زحمتکش میهنمان تقدیم میکنیم و عهد و پیمان خود را برای ادامه مبارزه در سال تازه تجدید مینمائیم .

۱ . گویا

دورهٔ ششم — شمارهٔ ۶۸ - ژانویه - فوریه ۱۹۷۱ — تك شماره ۱۰ ریال

هشتم مارس
روز همبستگی ، روز مبارزهٔ زنان

سال ۱۹۱۰ کنفرانس جهانی زنان سوسیالیست به پیشنهاد کلارا ستکین ،مبارز برجستهٔجنبش‌جهانی کارگری و نهضت آزادی زنان ، روز هشتم مارس را روز همبستگی و مبارزه برای حقوق زنان شناخت . از آن هنگام ببعد، زنان مترقی و مبارز جهان هشتم مارس را بعنوان روز همبستگی،مبارزه و روز اعلام خواستهای خود بر گزار میکنند . روشن است که طی این دوران دگرگونیهای شگرفی درو‌ضع اجتماعی ، اقتصادی وسیاسی زنان جهان رخ داده است . انقلاب کبیر سوسیالیستی ۱ کتبر ، گرد خواری و حرمان قرون را از سیمای زن شوروی زدود و به وی در صحنهٔ اجتماع و کانون خانواده مقام و منزلتی همانندمرد هدیه نمود . انقلاب اکتبر نه تنها منشاء تحول عظیم در زندگی زن شوروی‌شد، بلکه‌تحت تأثیر آن نهضت آزادی زنان اوج گرفت و زنان بسیاری از کشور های‌جهان‌موفق شدند پاره‌ای از حقوق‌پایمال خود را بدست‌آورند . امروزه فقط در کشور هائی که نظام‌عادلانه سوسیالیسم مستقراست زنان از حقوق برابر با مرد تمام و کمال بر خوردارند ، و در سایر کشور های جهان حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری ، زنان‌علیرغم حقوق صوری در زنجیر استثمار دوگانه خانواده و اجتماع اسیرند . مبارزات زنان امریکا و انگلستان در چند سال اخیر برای احراز حقوق برابر با مرد که گاموزند برخی سازمانها بویژه در امریکا جنبه افراطی هم پیدا نموده است بروشنی نشان میدهد که سیستم سرمایه داری که استثمار انسان ذاتی آنست قادر نیست حقوق برابر زن و مرد را تأمین کند و این فقط سوسیالیسم ، سیستم عادلانه فارغ از ستم و بهره کشی است که میتواند هر گونه تبعیض و نا برابری حقوق زن و مرد را از میان بر دارد . بنابر این با توجه باین نکته مهم که حتی درپیشرفته‌ترین کشور های سرمایه داری هم برابری‌زن و مرد وجود ندارد ، بی‌پایگی دعوی رژیم ایران که با شناخت صوری حق رأی برای‌زنان و ارجاع امر طلاق بدادگاه گویا حقوق برابر زن و مرد تأمین شده‌است روشن میشود . برابری حقوق زن و مرد بمعنای جدی و واقعی این کلمه یعنی استقلال اقتصادی زن و برابری زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی و خاتمه دادن به آداب‌و رسوم‌قرون‌وسطائی ازدواج وزندگی خانوادگی .

در کشوری که از کل جمعیت شاغل آن فقط ۱۳٫۳ در صد زن هستند صحبت از تساوی حقوق زن و مرد به شوخی میماند. این واقعیت تلخ نشان میدهد که زنان در اکثریت مطلق خود بردهٔمرد و اسیر خانه‌اند و فقط عده ناچیزی به صحنهٔ اجتماع راه یافته اند . در کشوری که زنان فاقد استقلال اقتصادی اند ، بیش از ۸۲ در صد آنان امکان آموختن سواد نیافته‌اند ، بدون اجازه شوهر حق مسافرت ندارند و پس از وقوع طلاق حق نگاهداری و تربیت اطفال از آنان سلب شده است ، در کشوری که از جمعیت ۶-۷ میلیون نفری زنان در سن کار فقط ۱۲ و کیل‌دادگستری، ۸ کادر سیاسی وزارت امور خارجه و ۱۶ نفر شهردار و و بخشدار زن‌هستند، حتی سخنی‌هم ازتساوی حقوق زن و مرد نمیتواند در میان باشد . میلیونهازن روستائی صبح تا شام جان میکنند و بهره‌ای از زحمت جانفرسای خود ندارند . زنان کارگر و کارمند در برابر کار مساوی با مرد مزد مساوی دریافت نمیکنند و از حق انتخاب شغل محرومند . از زنان کارمند حق ترفیع تا بالا ترین مقامات اداری بموازات مردان عملا سلب شده است . وجود چند زن در پستهای وزارت و معاونت و مدیریت کل فقط پردهٔ ساتری است که می باید شکاف عمیقی را که دراجتماع بین زن و مرد وجود دارد پوشیده نگاهدارد .

حزب ما از آغاز پیدایش خود تساوی کامل حقوق زن و مرد را یکی از مهمترین مواد برنامهٔخود قرار داده ، به تجهیز و تشکل زنان همت گماشت و آنانرا بمیدان مبارزه کشید . اگرهیئت حاکمه ناگزیر از شناختن حق رأی برای زنان و وارد کردن تغییراتی در قانون مدنی بسود زنان شد ، ثمرهٔ فرعی مبارزاتی است که زنان ایران بخصوص در دوران ۱۲ سال قبل از کودتا به رهبری حزب توده‌ایران‌نمودند‌و بعلاوه وضع امروزی جهان و بویژه کامیابیهای اجتماعی زنان در کشور های سوسیالیستی و موفقیت های آنان در یکرشته‌از کشورهای نو استقلال بقاء وضع عقب مانده سابق را محال میکرد . این عامل را نیز نباید نادیده گذارد که هم امپریالیسم و هم‌سرمایه داری‌ایران به بسط بازار داخلی ذیعلاقه اند و از این لحاظ مایل اند زن را تا حدودی در امور اجتماعی و اقتصادی شرکت‌دهند . شك نیست که شرط ضرور برای اجبار هیئت حاکمه به عقب نشینی بیشتر در این زمینه باز هم مبارزه و تشدید مبارزه است . درشرایطی که رژیم استبدادی‌امکان فعالیت را از احزاب واقعی و سازمانهای اصیل توده‌ای سلب نموده، در برابر زنان دو وظیفه فوری قرار دارد ، مبارزه در راه‌دمو کراتیزاسیون حیات کشور و در عین حال استفاده از سازمانهای موجود زنان برای طرح مطالبات خود. زنان آگاه وظیفه‌دارند در کنارسایرقشر ها و طبقات مترقی بخواهند که قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر از طرف رژیم رعایت شودو حقوق دموکراتیك مردم مراعات گردد . این مبارزه‌ای است در راه آزادی فعالیت سازمانهای اصیل زنان و در عین‌حال مبارزه برای رفع هر گونه‌تبعیض بین زن و مرد که هم در قانون اساسی وهم اعلامیه حقوق بشر صراحت دارد . اما تا این مبارزه به ثمر برسد و شرایط لازم برای فعالیت سازمانهای اصیل زنان و اوج مجدد جنبش زنان فراهم شود ، وظیفه آنست که از هر سازمانی که نام مدافع حقوق زن بر خود نهاده ، صرفنظر از آنکه در راس آن چه کسانی‌قرار داشته باشند ، بعنوان‌مرکزی برای تجمع و تریبونی برای طرح خواستهای زنان استفاده شود. باین عنر که سازمانهای موجود زیر نظر دربار و محفلهائی تشریفاتی هستند ، نباید مبارزه را تعطیل نمود . شك نیست که از هرفرصتی برای تشکیل‌سازمان های واقعی زنان باید استقبال کرد ، ولی این امر مانع از آن نیست که وقتی چنین امکانی وجود ندارد در درون همین سازمانها به فعالیت پرداخت و مانع از آن شد آنگونه که رهبران‌درباری‌این سازمانها مایلند مبارزه زنان فروکش کند و یا در چار چوب امور خیریه و مبارزه با بیسوادی که امری فرعی و جنبی است محدود گردد . باید در درون این سازمانها با طرح عام ترین شعار ها که بتواند قشر های هر چه وسیع تری از زنان را بدور خودجمع کند ، به تشکل زنان‌برای مبارزه کمك نمود . در شرایط کشورما که زنان از نظر اقتصادی و اجتماعی کمبود فراوان‌دارند، شعار های مبارزه‌آنقدر فراوان و متنوع و گوناگون است که یافتن تجهیز کننده ترین شعار ها کار دشواری نیست .

اما این تجهیز کننده‌ترین شعار نباید الزاماً همیشه در مقیاس کشور انتخاب شود که پیروزی‌آن‌غالباً دشوار تر است . میتوان با توجه به شرایط مشخص زنان را گرد عام ترین‌شعاردرمقیاس‌یك‌کارخانه ، یك وزارتخانه و یا یك محل تجهیز نمود . مثلا در کادریك کارخانه،شعار تجهیز کننده در شرایط‌مشخص میتواند مزد مساوی زنان کارگر در برابر کار مساوی، استفادهٔ از مرخصی قبل و بعد از زایمان بدون حذف دستمزد و یا ایجاد محل نگاهداری‌اطفال شیر خوار در جنب کارخانه باشد و یا در چار چوب یك وزارتخانه رفع تبعیض بین زن و مرد در اشغال پست های اداری . پیروزی چنین شعار هائی در مقیاس کوچك میتواند مشوق و الهام بخش زنان برای شرکت در مبارزات وسیع تر در مقیاس سراسر کشور باشد مثلا مبارزه برای اصلاح قانون حمایت خانواده بسود زنان و تغییر آن موادی از قانون مدنی که حق زنان را پایمال نموده است .

وظیفه زنان آگاه در این میانه دشوار است . آنهاهستند که باید بدون انتظارظهور دست غیبی ، خود پیشگام شوند ، همهٔ ابتکار و تجربهٔ خود را بکار گیرند و کاری کنند که زنان در جریان یك مبارزهٔ واقعی برای احراز حقوق خود قرار گیرند .

ما روز هشتم مارس ، روز جهانی زنان را به زنان ایران صمیمانه تبریك میگوئیم و به فردای تابناك میهن خود و آینده روشن زنان ایرانی ایقان داریم .

مینو

در ماه گذشته . . .

انجلا دیویس در زندان سن رافائل

اخیراً « هنری وینستن » صدر حزب کمونیست امریکا موفق شد دو بار در زندان بوسیله تلفن با « انجلا دیویس » صحبت کند . جریان این گفتگوی تلفنی‌را « هنری‌وینستن » چنین توصیف میکند :

در بزرگ آهنی باصدای بلندی بروی ما گشوده شد . من همراه عده ای دیگر وارد محوطه ای شدم که پر از اطاقکهائی بود که جدار شیشه ای ضخیمی آنها را از زندانیان جدا میکرد . از اینجا میبایست من تلفنی با انجلا صحبت کنم . انجلا بمن گفت که هر روز بیش از صد نامه دریافت میدارد و گاه تعداد نامه‌ها به ۴۰۰ هم میرسد . این نامه ها نه تنها از شهر های مختلف امریکا ، بلکه از تمام کشور های سوسیالیستی ، از آسیا ، اروپا ، افریقا و امریکای لاتین به او میرسد . من هرگز بیاد ندارم که یك زندانی سیاسی تا این اندازه از پشتیبانی مردم برخوردار باشد . بویژه تظاهرات همبستگی که در شهر های جنوبی و از جمله در « بیرمنگام » با شرکت سفید پوستان و سیاه پوستان به پشتیبانی از انجلا انجام گرفت سخت وی را تحت تأثیر قرار داده بود .

قبل از آنکه من از انجلا خدا حافظی کنم صفحه اول کتاب خودم را روی جدار شیشه ای قرار دادم تا بتواند خط مرا که کتاب را باو هدیه کرده بودم بخواند . این هدیه شخصی بخاطر علاقه و احترام عمیق من بدو ، بمناسبت وفاداری او به مردم و به مارکسیسم - لنینیسم است . تا وقتی که بتوانم شخصاً این کتاب را که در باره فلسفه مارکسیستی است به او تقدیم کنم ، خود بهمین قناعت میکردم .

در دومین گفتگوی تلفنی ما انجلا تعریف کرد که زندانش فوق العاده کثیف است . یکی از زنان زندانی در غذایش دم موش بوده و انجلا در فنجان قهوه اش سوسك دیده است . هنگام شب صدای جست و خیز موش خواب از چشم زندانیان میرباید . انجلا در پایان صحبت خود افزود شما بوضع زندان بخوبی آشنائی دارید وخودبعلت نبود کمکهای بهداشتی در زندان ، بینائی خویش را ازدست داده اید .

هنگامیکه زندان را ترك میکردم . آخرین کلام انجلا در گوشم صدا میکرد: پایداری !

دنباله در صفحه ۵